

آزادگی

ومبارزه با تجمل پرستی

گفتیم: بعضی از جامعه شناسان مادی، و مذهب را مهم می‌کنند که پایه‌های اولیایان را می‌سازد. تحذیر آمر باشد، مثلا و زهد دعوت به بیگانگی از زندگی مادی و اقتصادی می‌کند، و این همان چیزی است که طبقات استثمارگر خواهان آنند.

فقط گفتیم: این ارادتی که در بابت نادوست و تفسیر غلطی است که خورد آنها برای زنده کرده‌اند، و گرنه زهد از نظر متولیان مذهب بیگانگی است بلکه عدم اسارت در چنگال عاده است.

اکنون با توجه به تفسیری که درباره زهد در متون اسلام گفتیم البته آن بخوبی روشن می‌شود زیرا پرورش این روحه در انسان آزاد زیاده‌بالاتر است:

۱- آزادگی

ترک وابستگی و عدم اسارت در چنگال مال و مقام و متاع شخصی یک نوع آزادگی به انسان می‌بخشد که هیچکس در زندگی اجتماعی از آن بی‌نیاز نیست،

بزرگه و مقدس خود را در قمر با نگاه مبالغه مادی خویش ناپود نخواهد کرد.

برای اینکه چنانچه نقش و دستگی و زهد در پیشبرد هدفهای اجتماعی چه اندازه است کافی است نظر کوتاهی به زندگی پیشوایان سرزنگه مخصوصا پیامبر (ص) و علی (ع) بپردازیم، می‌بینیم مخالفان آنها که از هر فرصتی برای عظیم ساختن طرحهای عظیم اصلاحیشان استفاده می‌کردند، گاهی برای متوقف ساختن جنبش فکری و اجتماعی اسلام از طریق تطبیع واد می‌شدند و پیشنهادهای جاهلی می‌کردند که اگر آنها نماند بودند، به مسود قطع برنامه‌هایشان در همانجا متوقف می‌گشت و تسلیم می‌شدند، گاهی پیشنهاد مهم اجتماعی و گاهی بهترین دینا و گاهی تروت‌کافی و مانند آن که از دیدیه فکر آنکه بالاترین هدف یک انسان معصوم می‌شده بود، پیشنهاد می‌کردند.

اما بزودی با این گونه عبادات که واگر نمودید آستان را در یک دست ما، و ماه را در دست دیگر بگذارید، و حتی این توانایی را داشته باشید که کلید حکومت بر مذهب به شمس را در اختیار بگذارید، هرگز حاضر نیستیم به جای آن از هدف خود دست برداریم.

با اینکه می‌بینیم حکامی که مرد کوردلی همچون اشعث بن قیس ممان که پرونده زمین خواری او به دادگاه علی (ع) کشیده شده، برای جلب محبت آن آزاد مرد، شایه، هدیه‌ای به در خانه اومی- برد، ولی باقی‌مانده عشم آورد علی (ع) روبرو می‌شود

و این سبب معروف علی (ع) در گوش او ملین می- آید که: «به خدا سوگند اگر تمام اقلیم‌های جنگانه روی زمین و آنچه در زیر این آسمان نیلی رنگ قرار دارد به من دهند که از اجرای عدالت چشم ببوشم و حتی در برابر آن ثروت و حکومت عظیم کمترین ظلمی را مرتکب شوم و پوست تا بپز جوی را از دهان دور بچینی» بیرون کشم به خدا سوگند چنین نخواهم کرده بدین است مودی این چنین آزاد و وارسته را با هیچ وسیله‌ای نمی‌توان به زنجیر طمع کشید کسی را که بگفته خودش حکومت و مامانداری بر مردم در نظرش از کشف گیسو و وصله داری بی‌اثر است نمی‌توان با مال و مقام و منافع شخصی فریب داد.

ولی آیا افرادی که وابسته و دلسته و اسیر منافع مادی می‌شوند می‌توانند چنین گذشته‌ای داشته باشند و در نیمه راه هدف تحت تاثیر و سوسه‌های تطبیع آلوده این و آن فرار بگیرند؟! اینجا است که می‌گوئیم **زهد سرچشمه آزادگی است!**

۴- مبارزه با تجمل پرستی

یکی از بزرگترین بلاهای که جوامع انسانی مخصوصا جوامع امروز را به بدبختی و فساد کشانده مساله تجمل پرستی است. در همان حال که در جرائد می‌خوانیم در گوشه کناره دنیا هر شب در حدود یک- هزار میلیون نفر گرسنه می‌خواهند در گوشه دیگری از این دنیا تجمل پرستی بیدار بکنند، حدی است که باور کردنش مشکل است، ثروتهای عظیمی

زندگی امروز در راه تجمل پرستی نابود می شود و
 ترونهائی که باید گرسنگان و بیماران را تا آن از
 مرگه نجات دادند مسیر زندگی انسانی و تجمل -
 پرستی و هوسهای بی دلیل حتمی به همدیگر زدند -
 و زهد و راستگی اسلامی نقطه مقابل تجمل -
 پرستی است اسلام، مسلمانان را دعوت به حذف
 سابقه چون آمیز تجمل پرستی می کند تا بتواند
 امکانات الهائی خویش را در مسیر عمران و آبادی
 و منافع نبردهای اجتماع بشری کار گیرد.

ما می گوئیم و زهد چیزی جز زندگی ساده همانند
 زندگی آنان نیست. آیا هیچکس می تواند به چنین
 برنامہ، امید کند؟ آنها در متن اجتماع زندگی
 داشتند و خانه آنها مرکز مهم ترین امواج و جنبش -
 های اجتماعی و بیادنه با بی عدالتی بودند همین حال
 زاهد بودند، نه بیگانه از اجتماع، آیا میشود آنها
 را منجم به بیگانگی از دنیا و ترک بیادنه با استمرار
 دانست؟ آیا زهدی است که آنها از خود نشان می -
 دادند می توان عامل نظیر پرستری؟

بسیار ساده ما اگر با دقت حساب کنیم، دور همین
 جامعه و فرهنگهایی که در راه آید ازهای ضرورتی
 جامعه همانند آب و نان و غذا و فرهنگ و بهداشت
 و مانند آنها می شود با هزینه های سرسام آوری کفایت
 راه زندگی و مسائل تجملی و انواع مواد
 و کولامیون منزل، اتومبیلها، لوکس، کالسیولهای
 مختلف، لابلوهای گرانبهائی، و مانند مانند
 آن صرف می شود مقایسه کنیم، خواهیم دید که بیشتر
 لزوم جامعه در طریق دوم مصرف می شود شهر.
 نشینان ما مخصوصاً طبقات مرفه، بیشتر از آنها را

زندگی امروز در راه تجمل پرستی نابود می شود و
 ترونهائی که باید گرسنگان و بیماران را تا آن از
 مرگه نجات دادند مسیر زندگی انسانی و تجمل -
 پرستی و هوسهای بی دلیل حتمی به همدیگر زدند -
 و زهد و راستگی اسلامی نقطه مقابل تجمل -
 پرستی است اسلام، مسلمانان را دعوت به حذف
 سابقه چون آمیز تجمل پرستی می کند تا بتواند
 امکانات الهائی خویش را در مسیر عمران و آبادی
 و منافع نبردهای اجتماع بشری کار گیرد.

حجب این است بیرون مکتب «ملاکس» که
 احیاناً اینگونه تعلیمات مذهبی (مانند زهد) را نشانه
 نظیری بودن مذهب می گیرد، به هنگامی که می -
 خواهد اشتیاقات پیشوایان خویش را بشمرند
 و براری مکتب آنها را بر مکتب سرمایه داری ثابت
 کند، زندگی ساده و با اصطلاح زاهد چنانچه
 رهبران و پیشوایان خود را دلیل باندی بر هوس
 پرستی آنان می شمرد، لباس ساده نگذری آنها را
 سبیل مساوات و برابری ذکر می کند، و در مقابل
 تاجها، اتومبیلها، و لباسها، و مجالس پر زرق و برق
 سرمایه داری و تفریحاتی از اسرافگری و بی عدالتی
 و بیادمانان جوایع بود و بازی می دانند، نگاه علوم انسانی
 در حالی که می دانیم اگر پیشوایان آنها نظر
 لایس و مسکن، دست زاهدانه ای داشته باشند، از نظر
 حفظ عقاید و راستگی به موافقتهای سیاسی و حزبی
 به هیچ وجه زاهد نیستند، و به هر قیمت برای حفظ
 آن می کوشند، تا آنجا که گاهی اولاد زهدی را
 قربانی این راه می کنند. اگر داشتن دست و راستگی

بافروش محصولات کشورشان بخارجه راه دادند
 کرده اند. و این منظور کوشش کردند که بازرگانی
 خارجی و صنایع دستی را با یک اسلوب مطلق مقررات
 ساختگی توسعه دهند این همان روشی است که سیستم
 «عزکالتمیل» یا سوداگری نامیده شد (۲)
 با اینکه در شماره قبل پیرامون پیدایش علم اقتصاد
 و قدمت آن سخنی داشتیم باز هم ناچار شدیم توضیح
 مختصری پیرامون این مسئله بدهیم و نیز گفتار برخی
 از صاحب نظران را درباره کیفیت پیدایش اقتصاد
 بیان کنیم سپس نظر خود را بازگو نمائیم و آرزوستی
 بیان گذاریم اقتصاد چه کسانی بودند؟
 دنیا له دارد

مذکور دایمه بن آن مسائل مختلف جستجو نشد
 بود فکر نکرده بودند که از آن موضوع مجموعه
 بشکلها بوجود آورند... برای اولین بار کشف
 امری که در قرن ۱۶ و پیش از همه شرایط قرن ۱۷ موجب
 شد که تئوری واقعی اقتصادی بشکلیست با اسلوب
 بوجود آید تا آن صاحب به شکل مجموعه ای از
 قواعد و دستورالعمل مطلق منظور آید، کنشهای
 نظری فرانسه، ایتالیا، انگلستان، که با چشم حسد به
 اینها می نگریستند که باستحصال از ذخایر و معادن
 جهان جدید شروع کرده بود درصدد برآمدند که
 با جمعیه ای می توانند از برای خود هماقصد جلا
 و نظرها هم سازند... این کشورها تصور کردند که

۲- اقتصاد سیاسی تالیف از سوداگران زید

بقیه از صفحه ۱۰

بیش از آنی هزار تومان خرج می کنند، و طایفی
 که به این بر نامه اختصاص می دهند از نظر کور،
 هزینه های سرسام آوری دارد.

و با شنیدن شد در شمال تهران کسانی هستند که
 در تهران با یکدیگر خانه های بزرگی بسازند و از آنجا
 می آید که در تهران طبقات مرفه علاقه می یابند

زهد یعنی مبارزه با اینگونه اسرافکارها و به حد
 دادن ثروتها و سرمایه های اجتماعی و به کار گرفتن
 آنها در راههای صحیح و مثبت و سازنده.

این است دومین فلسفه زهد در اسلام.
 (فلسفه سوم و چهارم زهد را در شماره آینده
 خواهیم خواند)

می مانند، و در راههایی که نه تنها ضرورت ندارد بلکه
 گاهی احمقانه و نامشخص نظر می دانند و نمی کنند.
 زندگانی که در دستاورد در زوایای شهرها به از این
 بر خورد می گویم که در میان امور مشکلات برای
 نخستین ضروریات زندگی دستها را بر سر یکدیگر می
 می التل اخیراً در میان طبقات مرفه علاقه می یابند
 بخند که معمولاً قیمت سرسام آوری دارد و به
 کشیدن تریاک مد شده و بصورت وحشتناکی
 در حال گسترش است، این کاش تنها تریاک مطرح
 بود، تریاک در یک شکل تجلی مشحکی
 در میان آنها همانند سرطان توسعه می یابد. مثلا
 گاه می شود برای خریدن یک مقل و او را در لیبلی

مکتب اسلام